

Research Article
**Social Functions of Divine Traditions from the Perspective
of Supreme Leader Seyyed Ali Khamenei**

Mohammad Rafiq¹

Hassan Kheiri²

Received: 10/05/2022

Accepted: 31/12/2022



Abstract

Divine traditions have a frequent and effective place in the analysis and political-social measures of Ayatollah Khamenei, and this study tries to explain the social functions of divine traditions through a descriptive-analytical and interpretive-inferential method of his words. Traditions in this article are divine rules and regulations governing the world and human beings, which appear in a formative and absolute form or in a legislative form and under the condition of the existence of human intention and action. Divine traditions are the methods by which Allah Almighty plans and administers the affairs of the world and man based on them. Just as there exists divine traditions and laws in the natural world, there are also laws and traditions in human societies that may not be understood by someone with a material eye, but they exist. The word

1. Postdoctoral Researcher, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author). mrafiqtahery@gmail.com.

2. Associate Professor, Islamic Azad University, Qom, Iran. hassan.khairi@gmail.com.

* Rafiq, M., & Kheiri, H. (1401 AP). Social Functions of Divine Traditions from the Perspective of Supreme Leader Seyyed Ali Khamenei. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(39), pp. 9-39. DOI: 10.22081/JISS.2022.63946.1919.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

"function" is a sociological term that is used in the meaning of effect and result. The function of the divine traditions and the results and effects that follow the traditions are both individual and social. This article seeks to express social functions. Realization of supervision, protection of values, realization of honor, strength and resistance, spirituality, rationality, justice, insight, awareness about enemies and realization of progress in society, etc. are among the most important social functions that can be extracted from the words of the Supreme Leader of Islamic Republic of Iran.

Keywords

Divine traditions, social function, Supreme Leader, tradition.



مقاله پژوهشی

کارکردهای اجتماعی سنن الهی از دیدگاه مقام معظم رهبری

سیدعلی خامنه‌ای دام عزه

محمد رفیق^۱ حسن خیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

©Author(s).



چکیده

سنن الهی جایگاهی پرسامد و مؤثر در تحلیل‌ها و تدبیرهای سیاسی - اجتماعی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دام عزه دارد که این تحقیق درصدد تبیین کارکردهای اجتماعی سنن الهی با روش توصیفی-تحلیلی و تفسیری-استنباطی از کلام ایشان است. سنن در این مقاله قوانین و ضوابط الهی حاکم بر جهان و انسان است که به صورت تکوینی و مطلق یا به صورت تشریحی و مشروط به نیت و عمل انسانی پدیدار می‌گردد. سنت‌های الهی، روش‌های هستند که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند. همان‌طور که در عالم طبیعی، سنن و قوانین الهی وجود دارد، قوانین و سننی نیز در جوامع انسانی وجود دارد که ممکن است کسی با چشم مادی نتواند درک کند، اما وجود دارد. کارکرد، اصطلاحی جامعه‌شناختی است که به معنای اثر و نتیجه به کار می‌رود. کارکرد سنن الهی و نتایج و آثاری که بر سنن مترتب می‌شود، هم فردی و هم اجتماعی است؛ این نوشتار درصدد بیان کارکردهای اجتماعی می‌باشد. تحقق نظارت، پاسداشت ارزش‌ها، تحقق عزت، قدرت و مقاومت، معنویت، عقلانیت، عدالت، بصیرت، دشمن‌شناسی و تحقق پیشرفت در جامعه و... از مهمترین کارکردهای اجتماعی است که از کلام مقام معظم رهبری می‌توان استخراج نمود.

کلیدواژه‌ها

سنن الهی، کارکرد اجتماعی، مقام معظم رهبری، سنت.

۱. پژوهشگر پسادکتری گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mrafiqtaahery@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
hassan.khairi@gmail.com

* رفیق، محمد؛ خیری، حسن. (۱۴۰۱). کارکردهای اجتماعی سنن الهی از دیدگاه مقام معظم رهبری سیدعلی خامنه‌ای دام عزه. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰ (۳۹)، صص ۳۹-۹.

DOI: 10.22081/JISS.2022.63946.1919

مقدمه

تمایز مکتب اسلامی با سایر مکاتب فکری و اجتماعی در تمایز نگاه الهی آن در مواجهه با مؤلفه‌های گوناگون زندگی است. در دیدگاه الهی، سنن الهی به‌ویژه سنت «نصرت الهی» در محاسبات و پیشرفت جوامع بشری اثرگذار و مورد توجه است و سنن، به عنوان ساختار حاکم بر زندگی آدمی محسوب می‌شود. سنن الهی جایگاهی مؤثر در تحلیل‌های مقام معظم رهبری دارد که این تحقیق درصدد تبیین آن است. در این نوشتار بعد از مفهوم‌شناسی، کارکردهای اجتماعی سنن الهی با روش توصیفی-تحلیلی و تفسیری-استنباطی از کلام ایشان استخراج می‌شود. این موضوع، یکی از مهم‌ترین مقدمات بصیرت سیاسی-اجتماعی در نظام معرفتی ایشان است. مکتب اسلام، مکتبی است که احکام و اخلاق آن بر اساس ضوابط و قوانین مشخص الهی است. این وضعیت موجب می‌شود تا فرد آگاه به این ضوابط و قوانین الهی دارای پشتوانه محکم شده و از قدرت تحلیل و فهم بالای پیش‌بینی رخدادهای برخوردار شود.

البته قبل از ایشان، علماء دیگر نیز به بحث سنن پرداخته‌اند: برای مثال کتاب سنت‌های الهی اجتماعی در قرآن از مرادخانی، کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن اثر استاد مصباح یزدی، کتاب المدرسة القرآنیة از شهید باقر الصدر و کتاب جامعه و تاریخ از استاد مطهری و پایان‌نامه ارشد نقش تربیتی ابتلاء از منظر قرآن و عهدین از محمد رفیق و... البته با توجه به مرور کلام ایشان درباره وعده الهی، نصرت الهی و سنت الهی به‌خوبی روشن می‌شود که ایشان برخلاف عالمان و فیلسوفان دیگر علوم اجتماعی، مثل علامه مصباح یزدی، علامه جوادی آملی، استاد مطهری، علامه طباطبایی و شهید باقر الصدر، ملاک سنت‌بودن را به‌نسبت وسیع‌تر می‌دانند و تقریباً هر جمله الهی درباره امور عالم بشری را بسان یک وعده الهی و قانون حتمی الهی شمرده و جزو سنن الهی حساب می‌کنند؛ از این‌رو تعداد سنن الهی و کارکردهای آن به‌نظر ایشان به حد اکثر می‌رسد.

از اهتمام مقام معظم رهبری به هدایت جامعه، از خرد و کلان، فردی و اجتماعی، ابعاد مختلف حیات بشری، وضعیت‌های بحرانی و در صحنه فتنه‌های مختلف، بتوان تفسیر عینی از سنن الهی را در سیره علمی و عملی ایشان مشاهده کرد. بدین‌روی بحث

اینکه انواع سنن کدام است و هر یک دارای چه آثار و پیامدهایی است و نیز بحث موقعیت فرد و اجتماع در تحقق سنن و ثبات و دگرگونی در سنن و تحلیل رخدادهای گذشته و حال و چشم‌انداز جهان از آئینه سنن از مباحث کارکردهای سنن به حساب می‌آید که این نوشتار در صدد بیان و کشف آن است. در ادامه به مفهوم‌شناسی و کارکردهای سنن می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. سنت الهی

در قرآن کریم از قوانین جامعه به سنت تعبیر شده است. این کلمه گاه به صورت مفرد و گاه به صورت جمع «سنن» به کار رفته است. در مجموع شانزده مرتبه از این کلمه در قرآن یاد شده است؛ تعبیری مانند: سنة الله، سنة من ارسلنا من قبلک، سنن الذین من قبلکم، یا سنن بدون اضافه. در این گفتار به مفهوم‌شناسی سنت الهی با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری می‌پردازیم.

۲-۱. مفهوم لغوی سنت

سنت، در لغت به معنای روش، طریقه (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۴۲)، قانون، آیین، رسم، سیره (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۰۹)، طبیعت، فرض، فریضه، واجب، لازم، احکام دین، راه دین و شریعت آمده است.

نکته حائز اهمیت این است که نزد بیشتر لغت‌شناسان، سنت، به معنای سیرت و روش به طور مطلق می‌باشد؛ اعم از ممدوح و مذموم و خواه پسندیده و ناپسندیده باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵ و فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ البته از هری گفته است که سنت، راه پسندیده و صواب می‌باشد (زبیدی حسینی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۰۰).

الفاظ معادل سنت در انگلیسی (Wont, Manner, Tradition, Divinely Way, Method)

می‌باشند (ایران‌پناه، ۱۳۸۲، صص ۲۱۳، ۴۸۰، ۴۹۴، ۸۷۹، ۹۶۰، Merriam-Webster, English Dictionary, Cambridge English Dictionary).

۳-۱. مفهوم اصطلاحی سنت

سنت، به معنای پایه‌گذاری راه و روشی مستمر و اثرگذار، که می‌تواند پسندیده یا ناپسندیده باشد. بر این معنای روایت شریف دلالت دارد که می‌فرماید: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً، فَعَلَيْهِ وَ زُرْهَا وَ وَرُّ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ هر کس سنت پسندیده را آغاز کند پس تا روز قیامت اجر آن و عامل آن برای اوست و هر کس سنت ناپسندیده را آغاز کند، پس تا روز قیامت عقاب آن و عامل آن برای اوست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹ و حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۷۹ و نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۳۰). بر مدار این مفهوم از سنت شیخ طوسی تکرار را در معنای سنت اخذ نموده و می‌نویسد: «اصل سنت، عبارت است از راه و روش، و هر کس کاری را یک مرتبه یا دو مرتبه انجام دهد بر آن سنت اطلاق نمی‌گردد؛ زیرا سنت روش معمول و رایج است و با عمل کم، طریق و روش رایج نمی‌گردد و رواج پیدا نمی‌کند» (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۲). طبرسی نیز در تعریف سنت، متداول بودن را شرط می‌داند و می‌فرماید: «سنت، روشی است که در تدبیر حکم به کار می‌رود و سنت رسول خدا عبارت است از، روش ایشان که به امر خداوند جاری می‌نمایند، پس از این رو به ایشان نسبت داده می‌شود و روشی که یک مرتبه یا دو مرتبه انجام شود سنت نامیده نمی‌شود؛ زیرا سنت به روش متداول و رایج اطلاق می‌گردد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۱). صاحب کتاب التحقیق معتقد است: «سنت که جمع آن سنن است، از ماده «سَنَ» به معنای جریان مستمر یک شیء است و این جریان به آسانی و سهولت انجام می‌پذیرد و سنت خدا جریانی از ظهور صفات او طبق ضوابط مخصوصه می‌باشد که با اختلاف هر صفت و مقتضی خصوصیات آن مختلف می‌شود؛ بازگشت سنت خدا به ظهور صفات فعل می‌باشد، مثل رحمت و غضب، رزاقیت و قهاریت و لطف و کرم؛ و سنت خدا در اولین و آخرین یا با لطف و رحمت است و یا با قهر و غضب و هریک از اینها با حدود و ضوابط معینه در مورد خودش می‌باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، صص ۲۳۷-۲۳۸). پس سنت، عبارت است از روش عادی، که طبق طبع و مقتضای آن، در اکثر و یا در تمام موارد جاری و معمول می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴۰) و «سنت‌های الهی، روش‌های

هستند که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند که قرآن کریم از آن به سَنَّةَ اللَّهِ تعبیر نموده است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۲۵). سنت‌های تکوینی قوانین کلی و جهان‌شمول و غیر قابل تغییر هستند که به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) سنت‌های مطلق: شامل قوانین حاکم بر خلقت و اجتماع، نظیر قانون گردش زمین دور خورشید، قانون جاذبه زمین و قانون هدایت و آزمایش. این گونه سنن از آن جهت مطلق‌اند که معلول افعال انسان نیستند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، صص ۴۲۸-۴۲۷).

ب) سنت‌های مشروط: شامل قوانین حاکم بر خلقت، انسان و جامعه انسانی که مشروط به اراده انسانی است. نظیر اینکه فرمود: «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷)؛ یا فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراہیم، ۷) و مثل قانون جوش آمدن آب در صد درجه، این گونه سنن از آن جهت مشروط و مقیداند که معلول افعال انسان‌اند و به موضع‌گیری وی وابستگی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۳۴).

ج) سنت‌های موضوعی: نظیر اینکه سنت و قانونی الهی بر نکاح زن و مرد، تقسیم کار بین زن و مرد و گرایش به توحید و دین‌داری استقرار یافته و گرچه تخطی از این امور ممکن است، اما در نهایت این گرایش نهفته در آدمی مقتضای خلقت بوده و تأثیرگذار می‌باشد. شهید صدر این گونه سنن را تکوینی و فطری نیز می‌نامد (الشهید الصدر، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۱۱۲). موضوعی به معنای عینی و واقعی است، مثل یقین و قطع.

پس هر آنچه در عالم هستی است بر اساس قوانین الهی استوار می‌باشد و اجتماع جوامع انسانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. به عنوان مثال خداوند سنن تاریخی جوامع را چنین بیان می‌کند: «قُلْ لَا أَفْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ بگو: من درباره خود جز آنچه خدا بخواهد مالک هیچ سود و زبانی نیستم. مرگ هر امتی را زمانی معین است. چون زمانشان فرارسد، نه یک ساعت تأخیر کنند و نه یک ساعت پیش افتند (یونس، ۴۹). همچنین «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ هر امتی را مدت عمری است. چون اجلشان فراز آید، یک ساعت پیش و پس نشوند (الاعراف، ۳۴).

پس با توجه به مفهوم معنای لغوی و اصطلاحی سنت، که به امور محکم و استوار اطلاق می‌شود، اطلاق سنت بر قانون‌مندی‌های ثابت و بدون تحوّل، مناسبیت تام دارد؛ چون از ثبات و استحکام برخوردار است. در این نوشتار، تأکید بر سنت به معنای مجموعه ضوابط و قوانین محکم و ثابت الهی حاکم بر فرد و جامعه انسانی است.

مقام معظم رهبری در تعریف سنن به معنای قوانین الهی می‌فرماید: «سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این گون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، این‌ها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشم‌های کم‌سو نمی‌توانند درک بکنند، اما وجود دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

از این کلام موارد زیر استفاده می‌شود:

۱. سنت الهی یعنی قوانین الهی.
۲. جهان بر اساس قوانین الهی استوار است.
۳. قوانین الهی حاکم بر طبیعت و انسان است.
۴. با جهان‌بینی مادی این سنن (قوانین الهی) قابل شناخت نیست.

پس همان‌طور که در عالم مادی و طبیعی قوانینی وجود دارد، در عالم انسانی و اجتماعی هم قوانینی وجود دارد، که ممکن است با نگاه محدود مادی قابل کشف و رؤیت نباشند؛ که این به وجود آنها صدمه‌ای نمی‌زند. قانونی که در جوامع بشری وجود دارد، در مکتب اسلام، سنت نام دارد. چون وجود این سنن حتمی و قطعی است، لذا به نظر ایشان، عمل کردن طبق این سنن، مهم و از بالاترین اهداف است. اصلاً انسان چاره‌ای جز این ندارد که طبق این سنن عمل کند و اگر خلاف آن عمل کند، با سنن الهی مواجه شده و با شکست مواجه می‌شود. ایشان در این باره بیان می‌دارند: «هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلابی، هدف از هر قدرت اسلامی‌ای و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومین» و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۲۳).

۲. کارکرد اجتماعی

کارکرد، اصطلاحی جامعه‌شناختی است که به معنای اثر و نتیجه به کار می‌رود. کارکرد سنن الهی، یعنی نتایج و آثاری که بر سنن مترتب می‌شود.

سنن، ضوابط و قوانینی عام و فراگیر و دگرگون‌ناشونده‌ای هستند که خداوند نظام هستی را به‌طور عام و جهان‌انسانی را به‌طور خاص بر آن پایه مقرر فرموده‌اند. در برخی از این سنن اراده و گزینش‌گری انسان دخالتی ندارد، مثل چرخش کره ماه به دور زمین و جاذبه زمین و تأثیر و تأثرات و فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی مختلف، که برخی مشروط به اراده و انتخاب انسان هستند و بیشتر با فعل شرطی بیان شده‌اند. مانند اینکه اگر شاکر باشید نعمت‌تان فزونی می‌گیرد و کفر، خسران و عذاب را در پی دارد و گاهی هم در جملات خبری و یا امری بیان شده است، مانند اینکه فرمود: «وَأَتَّقُوا فَتْنَةَ لَأَ تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ از فتنه‌ها و اقدامات ناخوشایندی که آتش آن فقط دامان آتش افروز را نمی‌گیرد بلکه تر و خشک را با هم می‌سوزاند بر حذر باشید (الانفال، ۲۵) و مانند: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (العنکبوت، ۴۵). نماز موجب دوری از فحشا و منکر است که حاکی از تأثیر فعل آدمی در بروز فحشا و منکر یا رفع و دفع آن است.

کارکردهای سنن به‌طور کلی دو قسم است: ۱. کارکرد و آثار وضعی؛ ۲. کارکرد و آثار تکلیفی.

۱. **کارکرد و آثار وضعی:** آثاری است که از فعلی صادر می‌شود، مانند بروز فساد در زمین به‌واسطه ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲. **کارکرد و آثار تکلیفی:** به معنای آثاری که متوجه فاعل یا فاعلین می‌شود، مانند اینکه در انجام یا ترک فعلی مورد محاسبه و مؤاخذه قرار می‌گیرند و یا به دلیل ترک نماز، تارک نماز عذاب خواهد دید. سنن الهی بیشتر دارای هر دو اثراند؛ مانند اینکه فردی که گرفتار عاق والدین شده هم سرنوشت شومی برای خود در محرومیت از نظر لطف الهی رقم زده و هم باید به دلیل ترک احسان و وظیفه فرزندی مورد عقاب قرار می‌گیرد. یا ترک نماز که موجب اشاعه فحشا و منکرات می‌شود و مکلف بابت آن مؤاخذه می‌شود.

این اثر و نقش و به تعبیر دقیق کارکرد، از لحاظ مختلف به چند قسم تقسیم می‌شود که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

اجباری: کارکردی که لامحاله و به صورت معلول و به‌ناگذیر مترتب می‌شود.

اختیاری: کارکردی که به صورت مقتضی است و اگر انسان بخواهد، مترتب می‌شود و گرنه اگر مانعی در کار باشد، مترتب نمی‌شود.

آنچه مسلم است این است که انسان موجود مختاری است که می‌بایست با پیمودن راه دشوار امتحانات الهی صلاحیت خویش را برای بندگی خداوند به اثبات برساند؛ بنابراین بخشی از این سنن که به اختیار و گزینش‌گری انسان مرتبط است، برای آزمودن انسان است؛ از این رو فرمود: «حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (العنکبوت، ۲-۳). در این آیه شریفه هم بر قانون الهی برای آزمودن انسان تصریح شد و هم اینکه این یک سنت رایج است که همه انسان‌ها از صافی آن می‌گذرند.

کسی که در آزمون الهی ناموفق شود و به کفر و شرک گراید؛ خداوند بر دل و جان او مهر زده و نسبت به درک و فهم معارف و حقایق بی‌بهره می‌گردد: «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ خدا مهر نهاد بر دل‌ها و گوش‌های ایشان، و بر چشم‌های ایشان پرده افتاده و ایشان را عذابی سخت خواهد بود (بقره، ۷).

پس طغیان انسان نتیجه و کارکرد احساس بی‌نیازی او از خداوند است و از چنین انسانی جز طغیان انتظار دیگری نمی‌توان داشت: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِمْ لَكَنُفٍ»؛ انسان طغیان می‌کند، وقتی که خود را بی‌نیاز ببیند (علق، ۶-۷).

سرنوشت جامعه انسانی به خود او سپرده شده و او در خوب و بد آن مؤثر است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (الرعد، ۱۱).

و از کارکردهای سنن الهی این است که بر اساس ضوابط مشخص که برای هر چیزی زندگی و مرگی هست. جامعه نیز چنین است و وقتی بر اساس ضوابط مقرر الهی که بخشی از آن متوقف بر رفتار انسان و انتخاب و اراده آنها است، مرگ جامعه‌ای فرا

رسد؛ بدون تأخیر و تقدیم محقق خواهد شد: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرارسد، نه ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش (اعراف، ۳۴).

با این حال، تغییر به خود انسان نسبت داده می‌شود: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَانْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ این از آن جهت است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند، و خدا شنوا و داناست (انفال، ۵۳).

و هر کس هر چه کاشت برداشت کرد: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ»؛ آن جماعت را روزگار سپری شد برای ایشان است آنچه به دست آورده‌اند و برای شماست آنچه به دست آورده‌اید و از آنچه آنان می‌کرده‌اند شما بازخواست نخواهید شد (بقره، ۱۴۱).

در ادامه به بررسی برخی از کارکردهای سنن الهی می‌پردازیم. برای این منظور از دسته‌بندی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بهره می‌جویم. بخشی از کارکردهای سنن الهی ناظر به بعد فردی است که تحت عنوان خودسازی است؛ برخی ناظر به نظامات اجتماعی و شکل‌دهی به شاکله جامعه است که آن را جامعه‌پردازی نامیده و بخشی ناظر به بعد تمدن‌سازی است. اینک بر اساس موضوع نوشتار، به کارکردهای مهم اجتماعی می‌پردازیم:

۳. کارکردهای اجتماعی سنن الهی

سنن الهی اگر تحقق یابند دارای یکسری کارکردهای متفاوت فردی و اجتماعی‌اند؛ اما نوشتار حاضر درصدد بررسی کارکردهای اجتماعی سنن الهی از دیدگاه مقام معظم رهبری است؛ از این روی در ادامه به کارکردهای اجتماعی می‌پردازیم:

۱-۳. تحقق نظارت و پاسداشت ارزش‌ها

سنن الهی دربردارنده ارزش‌های الهی‌اند و بنابراین تحقق آنها دارای اثر و کارکرد

پاسداشت از ارزش‌ها است. از کارکرد سنن الهی این است که با احساس مسئولیت آحاد افراد جامعه نسبت به هم و نیز احساس مسئولان نسبت به مردم و بالعکس جامعه رو به سعادت پیش می‌رود. امر به معروف و نهی از منکر یکی از این سنن الهی است. اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از جدیدترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و این فضولی کردن نیست، بلکه همکاری کردن است. این نظارت عمومی، کمک به شیوع خیر است، کمک به محدود کردن بدی و شرّ و کمک به این است که در جامعه اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگ‌ها عوض گردد. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب، کارهایی که دین به آنها امر کرده و رشد و صلاح کشور در آنهاست در نظر مردم به کارهای بد و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شده و این خطر بسیار بزرگی است.

از میان برخی منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و باید از آنها نهی کرد می‌توان به اِتلاف منابع عمومی، اِتلاف منابع حیاتی، اِتلاف برق، اِتلاف و وسایل سوخت، اِتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و نان اشاره کرد. ضایعات نان، اصلاً این یک منکر دینی، اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است؛ هر کسی به هر طریقی که می‌تواند؛ یک مسئول یک طور می‌تواند، یک مشتری نانوائی یک طور، و یک کارگر نانوائی به طوری دیگر. طبق بعضی از آمارها، مقدار ضایعات نان برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می‌شود! این جای تأسّف است! همه اینها منکرات است و نهی از آنها لازم است. طبق نهج البلاغه، امیرالمؤمنین نهی از این‌ها را یکی از محورهای اصلی توصیه‌های خود قرار داده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵).

۳-۲. تحقق عزت

یکی از کارکردهای سنن تحقق عزت در جامعه است. طبق آموزه‌های اسلامی عزت ثمره عمل به دستورات الهی و موجب تعالی فردی و اجتماعی است. قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است ولیکن منافقان از این معنی آگه نیستند» (المنافقون، ۸). پس در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدایی قرار می‌گیرد.

از قرآن و روایات استفاده می‌شود که یکی از کارکردهای عمل به سنن الهی، کسب و تحقق عزت است؛ و در مقابل، پشت پا زدن به سنن، موجب ذلت و خواری است. این معنا در ترک امر به معروف و نهی از منکر به صراحت بیان شده است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست، یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام دهد». امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لتأمرنَّ بالمعروف و لتنهون عن المنکر او لیسألنَّ الله علیکم شرار کم فیدعو خیار کم فلا یستجاب لهم» باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶)؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین در رأس آن قرار داشت و در آن جا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و به تدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵).

در مقابل، عمل به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از سنن و قوانین ارتباطات انسانی موجب امنی راهها و بسیاری از امور رفاهی دیگر می‌شود. امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ، بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَزُودُ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يُتَّصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ... همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر، اقامه می‌شود، راه‌ها ایمن، در آمدها حلال، مظالم به صاحبان اصلی مسترد، زمین آباد، حق از دشمنان باز پس گرفته می‌شود و امر تحکیم می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶). یک مثال زنده در این زمینه امام خمینی بود که هم مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود و هم روح عزت را در ملت هم زنده کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴).

۳-۳. تحقق قدرت و مقاومت

مفهوم قدرت در دیدگاه مقام معظم رهبری، مبتنی بر باورهای اسلام و هم‌ذات خدمت به انسان‌ها و بشر است. ایشان در این زمینه معتقد است: «قدرت در فرهنگ اسلامی، یعنی خدمت به انسانیت و انسان‌ها و خدمت به ارزش‌های بشری از موضع قوت، نه از موضع ضعف. به همین نسبت، روش‌های نظامی گری و قدرت‌مداری هم از دید اسلام، به کلی با دید فرهنگ جاهلی و زورمداری زورمداران گذشته و امروز متفاوت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۴).

عزت، حکمت و مصلحت اصول رابطه مقتدرانه با دیگر کشورها است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «این سه شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید فهمید. اگر عملیاتی کنیم، سیاست خارجی همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته تراز نظام جمهوری اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۶).

در آیه شریفه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به احتمال زیاد منظور از «قُوَّة» فقط قُوَّة نظامی نیست؛ البتّه قُوَّة نظامی هم هست اما فقط قُوَّة نظامی نیست. «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید، درون خودتان را قوی کنید (الانفال، ۶۰). معنای این،

استحکام ساخت داخلی کشور است. از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ تولید داخلی، از لحاظ نفوذ در بازارهای خارجی، از لحاظ کشف ظرفیت‌های فراوانی که در این کشور هست و هنوز استفاده نشده است، خودمان را قوی کنیم و این ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. یعنی رشد تولید داخلی کشور، استحکام اقتصادی داخل کشور؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی. بجایی آنکه یک عده‌ای بیایند روی کمبودها انگشت بگذارند، اغراق کنند، پیشرفت‌ها را نگویند، راه‌حل‌ها را هم نگویند! اتفاقاً این‌ها همان کسانی هستند که خودشان به دشمن‌گرا دادند که ایران را تحریم کنند؛ گرای تحریم را اینها دادند. خود همین‌ها بیش از همه روی نقاط ضعف تکیه می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷).

لذا ایشان با انتخاب «جنگ اراده‌ها» در گفتمان دفاعی خود پیشنهاد ایستادگی، استحکام و استفاده از ظرفیت‌های فراوان کشور را می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۷؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

مقام معظم رهبری با ذکر سنت پیروزی مستضعفان، در خصوص رابطه اعتقاد به سنن الهی با توحید و اعتماد به وعده الهی می‌فرماید: «دولت مقاومت» یعنی تسلیم زورگویی‌نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی‌نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد. دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌ها و کشورها، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال؛ بعضی خیال می‌کنند اگر بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جور نیست. نه لاک دفاعی، نه موضع انفعال، بلکه موضع «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (الانفال، ۶۰). موضعی که در این آیه شریفه از آن تعبیر شده است به «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ «تُرْهِبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰). «اعتقاد به سنن الهی به این معنا است که همه چیز در ذیل سیطره قدرت لایزال الهی است. و بر این اساس قضا و قدر خداوند را حاکم بر هستی می‌یابد.

چنین انسان و ملتی نه طغیان خواهد کرد و نه به دیگران تکیه خواهد کرد؛ بلکه با ذکر و یاد خدا را احسان را در پیش خواهد گرفت. این چهار عنصر راهبرد رفتاری او را شکل خواهد داد. چنانکه در سوره هود پس از اینکه خداوند پیامبر و همراهانش را به استقامت فرامی خواند بر این چهار عنصر تاکید می کند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَرُفُلًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيغُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می کنید بصیر و داناست. و هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدان‌ها دلگرم باشید؛ و گرنه آتش در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد. و نماز را در دو طرف روز به پا دار و نیز در ساعات آغازین شب، که البته حسنات و نیکوکاری‌ها، سیئات و بدکاری‌ها را نابود می‌سازد، این یادآوری است برای اهل ذکر و پندی بر مردم آگاه است و صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد (هود، ۱۱۱-۱۱۵).

۳-۴. تحقق معنویت

جامعه منهای معنویت یک جامعه شکست خورده در همه عرصه‌هاست؛ حتی اگر در عرصه‌های تکنولوژی و صنعت پیشرفت‌های ظاهری هم داشته باشد؛ اما در درون خود دچار ورشکستگی شده و از امنیت و آرامش برخوردار نخواهد بود. یکی دیگر از کارکرد سنن، تحقق معنویت در جامعه است. معنویت است که فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماری‌های اخلاقی و روحی و حتی بیماری‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی حفظ می‌کند و یک جامعه معنوی دارای مصونیت از خطرات مختلف خواهد بود. به‌ویژه نسل جوان جامعه را باید تقویت معنوی کرد؛ در غیر این صورت گرفتار لغزش‌ها در عرصه‌های متنوع زندگی خواهند شد؛ زیرا هیچ چیز به قدر معنویت، انسان را حفظ

نمی‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۳). در برابر تهاجم و توطئه‌آفرینی‌های دشمن، اسلام نیازمند قدرتی است که از اخلاص در عمل و انجام وظیفه، بر اساس تکلیف الهی حاصل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۲۴).

۳-۵. تحقق عقلانیت و عدالت

در سنت الهی هر چیزی به گونه‌ای آفریده شده که بایسته و شایسته آن است. و عدل به قول امیرالمؤمنین علیه السلام قرارداد هر چیز در جای خویش است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۸۵). پس اقتضای اراده و اختیار در انسان آن است که به گونه‌ای رفتار کند که مطابق فطرت و آفرینش اوست. پس لازم است تا انسان‌ها نسبت به احقاق حق خود و دیگران اقدام کنند و اجازه ظلم به خود و دیگری را ندهند (النساء، ۷۵). بر این اساس می‌توان گفت که عدالت، اعطاء کل ذی حق، حقه؛ یعنی حق هر صاحب حقی به او داده شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱). بر این اساس است که ابن‌عباس نقل می‌کند: در سرزمین ذی‌قار خدمت امام علیه السلام رفتم، درحالی که ایشان کفش خود را پینه می‌زد، هنگامی که من را دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: به خدا سوگند، این کفش بی‌ارزش، نزد من، از حکومت بر شما محبوبتر است، مگر اینکه «حق» را با آن به پا دارم یا باطل را از میان بردارم (نهج‌البلاغه، خ ۳۳). امام علی علیه السلام در جایی دیگر نیز می‌فرماید: خدایا! تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما، برای به‌دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌یافته در امن و امان زندگی کنند (نهج‌البلاغه، خ ۱۳۱). بر اساس فلسفه سیاسی امیر مؤمنان علیه السلام جامعه انسانی نیزمند حاکم است: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (نهج‌البلاغه، خ ۴۰) برای مردم چاره‌ای جز امارت امیران نیکوکار یا بدکار نیست. برای برقرار عدالت انسان‌ها باید تابع اولیای الهی باشند و اگر این ولایت الله را نپذیرفتند به طور طبیعی گرفتار ولایت طاغوت و شیطان خواهند شد (البقرة، ۲۵۷؛ النساء، ۷۶) ولایت اولیاء موجب اتحاد و انسجام می‌شود و از ولایت طاغوت جز تفرقه و ظلم چیزی تراوش نمی‌کند. الحجرات، ۱۰؛

البقره، ۱۰۲، ۱۳۶، ۲۵۷ و ۲۸۵؛ المائده، ۹۰ و ۹۱؛ آل عمران، ۸۴ و ۱۰۳) جایگاه حاکم و رهبر جامعه همانند ریشمان محکم است که موجب پیوند می‌شود (نهج البلاغه، خ ۱۴۶)؛ از این رو امیرمؤمنان سیره گذشتگان که از شاخصه‌های سنت عدالت محور الهی بی‌بهره بوده را طرد کرده و پای‌بندی به قانون و سنت الهی را شرط پذیرش حکومت می‌دانند. سپس می‌افزاید: دل‌ها بر این امر استوار، و عقل‌ها ثابت نمی‌ماند، چهره افق حقیقت را ابرهای تیره فساد گرفته و راه مستقیم، ناشناخته مانده است. آگاه باشید! اگر دعوت شما را اجابت کنم طبق آنچه خود می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به سخن این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش نخواهم داد، اگر مرا رها کنید، من، چون یکی از شما هستم، شاید من شنواتر و مطیع‌تر از شما به امیر باشم. در این شرایط من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر از آن است که امیر و رهبرتان شوم (نهج البلاغه، خ ۹۲). بر این اساس سامان‌دادن به امور اجتماعی و پیشرفت آن جز در سایه عدالت محقق نمی‌شود. بر این مبنا است که مقام معظم رهبری سیاست پیشرفت عدالت محور را ابلاغ و بر آن تأکید و پای می‌فشارند.

در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، اسلام با سه گانه معنویت، عقلانیت و عدالت معنا می‌شود. و این سه از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت قرار دارد. در فرایند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت: روح کار، عقلانیت: مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزش‌گذار کارها در نظام اسلامی است؛ همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار می‌گیرد و احیای عقلانیت در جامعه، ثمره انقلاب اسلامی به شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۵/۱).

۳-۶. تحقق بصیرت و دشمن‌شناسی

یکی از کارکردهای مهم تحقق سنن الهی تحقق بصیرت در جامعه است. راهکارهای مبارزه با دشمن چنین است: ۱. هوشیاری و درک موقعیت؛ ۲. جرئت اقدام

و نرسیدن از سختی‌ها و خطرها؛ ۳. ایمان و امید به آینده. آیت الله خامنه‌ای درباره این سه اصل می‌فرماید: «هوشیاری و درک موقعیت، جرئت اقدام و نرسیدن از سختی‌ها و خطرها، ایمان و امید به آینده سه درس مهم هستند. این درس‌های مهم، راهگشای امروز و آینده ملت و کشور است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۱). «علم را برای قدرت، معنویت، پیشرفت و فضایل انسانی و دفاع حقیقی از حقوق انسان به کار می‌گیریم تا این ملت بتواند بر خلاف سنت رایج جهان در شرایط قدرتمندی پرچم عدالت را به دست بگیرد و به کسی زور نگوئیم و از مظلوم دفاع کنیم و جلو ظالم را بگیریم و در مقابل او بایستیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۲/۱۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۵/۱).

«بصیرت و آگاهی نورافکن است. بصیرت قبله‌نما و قطب‌نماست. در یک بیابان، انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد؛ لیکن احتمالش ضعیف است. احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت دچار مشکلات و تعب‌های زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ به‌خصوص وقتی دشمن جلو انسان است. پس بصیرتی که قطب‌نما و نورافکن است، در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را نشان می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۵). «ممکن نیست که هیچ‌وقت دشمن سلسله‌جنبانان استکبار عالم و شیطان‌صفتان گمراه‌ساز راه بنی آدم، نسبت به انقلاب از بین برود. تا این دشمن وجود دارد، تهدید هست. تا تهدید هست، فکر و آمادگی دفاع باید باشد. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند، زنده نیست. خدا آن روز را نیاورد که این ملت و برگزیدگان، از تهاجم عنودانه خباثت‌آمیز استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا، دچار غفلت بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۲۹). «مهم این است که یک انسان، یک مجموعه، ارزیابی و فهم درستی از تحولاتی که پیرامون او انجام می‌گیرد، داشته باشد. از حرکتی که به خیلی از چشم‌ها نمی‌آید، بینایان و افراد بصیر آن را می‌فهمند که در حال انجام گرفتن است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). «بصیرت و قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید. قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ مسلمانان

خوردند، از ضعف قدرت تحلیل بود. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

۳-۷. تحقق پیشرفت

یکی از کارکرد مهم سنن الهی به نظر مقام معظم رهبری، تحقق پیشرفت است. ایشان تعمداً به جای «توسعه»، کلمه «پیشرفت» را به کار می‌برند. چون کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که ایشان موافق نیستند و نمی‌خواهند یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاورند. و مفهومی را که مورد نظر خودشان است، مطرح می‌کند؛ که عبارت است از «پیشرفت». ایشان البته این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌اند. مثلاً کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردند؛ کلمه «استکبار» را آوردند.

البته بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت لازم است. چون تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد و جامعه را پیش ببرد.

۴. الگوی غربی

این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد، باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ به علاوه ناموفق هم بوده است. ایشان به‌طور قاطع این را می‌گویند: «الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. اگرچه به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند. گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از

معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده؛ بنابراین موفق نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

دلیل عدم کفایت الگوی غربی این است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان، به کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.

هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفت بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه تفارق اساسی، نگاه به انسان است.

اومانیسیم غربی انسان‌محور است. اما انسان در منطق غرب و اومانیسیم غربی، بکلی با این انسانی که در منطق اسلام هست، تفاوت دارد. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دو بُعدی است؛ اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت جویی، کامجویی، بهره‌مندی از لذت‌های زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است؛ انسان سودمحور. اما در جهان‌بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان. در آن جهان‌بینی غربی، ثروت و قدرت و علم، هدفند. انسان‌ها تحقیر بشوند، ملت‌ها تحقیر بشوند، میلیون‌ها انسان در جنگ‌ها لگدمال بشوند و کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد یا کمپانی‌هایی سلاح‌های خودشان را بفروشند؛ ایرادی ندارد! این تفاوت منطقی و اساسی است.

۵. الگوی اسلامی

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگر هستند. این می‌تواند پایه و مبنائی برای همه مسائل کلان کشور و نسخه‌هایی که برای آینده خودمان خواهیم نوشت، باشد.

این دو زاویه: یکی نگاه به فرد انسان است؛ به انسان به عنوان یک فرد؛ به عنوان یک موجود دارای عقل و اختیار نگاه می‌کند و او را مخاطب قرار می‌دهد؛ از او مسئولیتی می‌خواهد و به او شأنیت می‌دهد، یک نگاه دیگر هم به انسان، به عنوان یک کل و یک مجموعه انسان‌هاست. این دو نگاه با هم منسجم‌اند؛ مکمل یکدیگرند. هر کدام، آن دیگری را تکمیل می‌کند.

۵-۱. نگاه به فرد انسانی از خودپرستی تا خداپرستی

در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می‌گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت می‌کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه» (الانشاق، ۶). در یک جمله کوتاه می‌شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. وظیفه هر فردی به عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضرکم من ظلّ اذا اهتدیتم» (المائدة، ۱۰۵). باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده این راه، انجام واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی، موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند؛ سرعت می‌بخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه زمان‌ها، در حکومت پیغمبران،

در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند.

اسلام در این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دل‌باخته و دل‌بسته دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کند، قطع رابطه با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. دنیا یعنی همین طبیعت، همین بدن ما، زندگی ما، جامعه ما، سیاست ما، اقتصاد ما، روابط اجتماعی ما، فرزند ما، ثروت ما، خانه ماست. دل‌بستگی به این دنیا، دل‌باخته شدن به این نمونه‌ها، در این خطاب فردی، کار مذمومی است. دل‌باخته نباید شد. این دل‌باخته نشدن، دل‌بسته نشدن، اسمش زهد است؛ اما اینها را هم نباید رها کرد. کسی از متاع دنیا، زینت دنیا، از نعمت‌های الهی در دنیا رو برگرداند، این هم ممنوع است. «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين امنوا» (الاعراف، ۳۲)؛ یعنی کسی حق ندارد که از دنیا اعراض کند. این‌ها جزو مسلمات و معارف روشن دین است. این، نگاه فردی است. در این نگاه به فرد انسان، اسلام استفاده از لذت‌های زندگی و لذت‌های حیات را برای او مباح می‌کند؛ اما در کنار او یک لذت بالاتر را که لذت آنس با خدا و لذت ذکر خداست، آن را هم به او یاد می‌دهند. انسان در یک چنین راهی به عنوان انسانِ اندیشمند و دارای اختیار، باید انتخاب کند و در این صراط حرکت کند. در این نگاه، مخاطب البته فرد انسان است. هدف این حرکت و این تلاش هم رستگاری انسان است. اگر انسان به این دستورالعمل و نسخه‌ای که به او داده شده است، عمل بکند، رستگار می‌شود.

در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمرکم فیها». همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردن دنیا یعنی از استعدادها، فراوان و غیرقابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آنها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند. در این زمین و پیرامون زمین، استعدادهایی هست که

خدای متعال اینها را گذاشته است و بشر باید اینها را پیدا کند. یک روزی بشر آتش را هم نمی‌شناخت، اما آتش بود؛ الکتریسیته را نمی‌شناخت، اما در طبیعت بود؛ قوه جاذبه را نمی‌شناخت، قوه بخار را نمی‌شناخت، اما اینها در طبیعت بود. امروز هم استعدادها و قوای بیشمار فراوانی از این قبیل در این طبیعت هست؛ بشر بایستی سعی کند اینها را بشناسد. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و این یکی از لوازم خلیفه بودن انسان است.

۵-۲. نگاه به همه انسان‌ها

عین همین مطلب در مورد انسان‌هاست؛ یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند. این هم نگاه کلان است. در این نگاه کلان، مخاطب، همه افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، از همه افراد خواسته شده است. یکایک افراد جامعه بشری در همین نگاه کلان، مخاطب‌اند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده افراد انسان است. در این نگاه، انسان همه کاره این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان. معنویت، پایه اساسی این پیشرفت است. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال قرار می‌دهد، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است.

نتیجه‌گیری

سنن به معنای قوانین و ضوابط الهی حاکم بر جهان و انسان است، و دارای کارکردهای عدیدی در سطح خرد و کلان جامعه است. این نوشتار در صدد بیان کارکردهای

اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری بوده است. سنت که جمع آن سنن است از ماده «سن» به معنای جریان مستمر یک شیء است و این جریان به آسانی و سهولت انجام می‌پذیرد و سنت خدا جریانی از ظهور صفات او طبق ضوابط مخصوصه می‌باشد. سنت‌های تکوینی قوانین کلی و جهان شمول و تغییرناپذیر هستند که به سه دسته تقسیم می‌شوند: مطلق، مشروط و موضوعی. در منظومه فکری مقام معظم رهبری همان‌طور که در عالم مادی و طبیعی قوانینی وجود دارد، در عالم انسانی و اجتماعی هم قوانینی وجود دارد که ممکن است با نگاه محدود مادی قابل کشف و رؤیت نباشند که این به وجود آنها صدمه‌ای نمی‌زند. قانونی که در جوامع بشری وجود دارد، در مکتب اسلام، سنت نام دارد. چون وجود این سنن حتمی و قطعی است، به نظر ایشان عمل کردن طبق این سنن، مهم است و از بالاترین اهداف است. اصلاً انسان چاره‌ای جز این ندارد که طبق این سنن عمل کند و اگر خلاف آن عمل کند، با سنن الهی مواجه شده و با شکست روبه‌رو می‌شود.

کارکردهای سنن به‌طور کلی دو قسم است: کارکرد و آثار وضعی و کارکرد و آثار تکلیفی. آثار وضعی، آثاری است که از فعلی صادر می‌شود. مانند بروز فساد در زمین به واسطه ترک امر به معروف و نهی از منکر و آثار تکلیفی به معنای آثاری است که متوجه فاعل یا فاعلین می‌گردد. مانند اینکه در انجام یا ترک فعلی مورد محاسبه و مؤاخذه قرار می‌گیرند؛ مانند اینکه به خاطر ترک نماز تارک نماز عقاب خواهد دید. سنن الهی غالباً دارای هر دو اثرند. این اثر و نقش و به تعبیر دقیق کارکرد، از لحاظ مختلف به چند قسم تقسیم می‌شود. آنچه مسلم است این است که انسان موجود مختاری است که می‌بایست با پیمودن راه دشوار امتحانات الهی صلاحیت خویش را برای بندگی خداوند به اثبات برساند. سنن الهی اگر تحقق یابند، دارای یکسری کارکردهای متفاوت فردی و اجتماعی‌اند؛ اما نوشتار حاضر در صدد بررسی کارکردهای اجتماعی سنن الهی بوده است. تحقق نظارت، پاسداشت ارزش‌ها، تحقق عزت، قدرت و مقاومت، معنویت، عقلانیت، عدالت، بصیرت، دشمن‌شناسی و تحقق پیشرفت در جامعه و... از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی سنن الهی است که از کلام مقام معظم رهبری استخراج و ذکر شد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی رحمته.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث والاشتر (ج ۲). قم: اسماعیلیان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۳). بیروت: دارالفکر.
۴. ایران پناه، اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ آکسفورد انگلیسی فارسی. تهران: انتشارات زبان پژوه.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). هدایة الأئمة إلی أحكام الأئمة (ج ۵). مشهد: آستان مقدس رضوی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶/۰۲/۲۵). بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد.
<https://b2n.ir/m84463>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۰۸/۲۹). بیانات در بازدید از ستاد کل پاسداران انقلاب اسلامی.
<https://b2n.ir/r99249>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳/۰۷/۱۳). بیانات در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9850>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۱۱/۱۳). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).
<https://b2n.ir/x70016>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۱/۲۳). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
<https://b2n.ir/j12295>

۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹/۰۹/۲۵). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/k86422>

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۱۱/۲۸). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5742>

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۰۳/۰۷). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/m95580>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲). سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲/۱۰/۰۴). بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/r59309>

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶/۰۲/۲۵). بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/s93377>

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۶/۲۰). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/a40524>

۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۰۸/۰۴). بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>

۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/u06872>

۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۰۶/۰۶). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/r74674>

۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/w42394>

۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۰۴/۱۲). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/u22423>

۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۱۱/۲۷). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

<https://b2n.ir/q58248>

۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۰۲/۲۰). بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام.

<https://b2n.ir/t66305>

۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۰۵/۲۷). یادداشت‌ها (پی نوشتها) ۱۳۸۷/۶/۲؛ ۱۳۹۰/۴/۹؛ ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ ۱۳۹۳/۵/۱.

<https://b2n.ir/m64923>

۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۳/۱۴). بیانات در سی امین سالگرد امام خمینی علیه السلام.

<https://b2n.ir/z39630>

۲۷. زبیدی حسینی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۱۸). بیروت: دار الفکر.

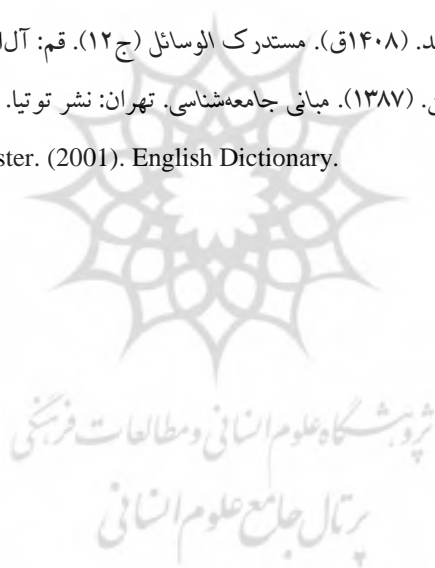
۲۸. شهید الصدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۴ق). المدرسة القرآنية (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۱۹). قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱ و ۱۶). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۸). تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير (ج ۲). قم: دارالهجرة.
۳۳. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (ج ۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۳۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۵). تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل (ج ۱۲). قم: آل البيت علیهم السلام.
۳۸. نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی. تهران: نشر توتیا.

39. Merriam, Webster. (2001). English Dictionary.



References

* The Holy Quran

* Nahj al-Balagha

1. Al-Shahid al-Sadr, S. M. B. (1424 AH). *Madrasah al-Qur'aniya* (Encyclopedia of Martyr al-Sadr, vol. 19). Qom: Shahid al-Sadr Center for Research and Specialized Studies. [In Arabic]
2. Cambridge. (2000). *English Dictionary*.
3. Fayoumi, A. (1414 AH). *Al-Mesbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir* (Vol. 2). Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
4. Hor Ameli, M. (1414 AH). *Hidayat al-Umat ila Ahkam al-A'imah* (Vol. 5). Mashhad: Astan Moqds Razavi. [In Arabic]
5. Ibn Abi al-Hadid, A. (1404 AH). *Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. [In Persian]
6. Ibn Athir Jazri, M. (1367 AP). *Al-Nahayat fi Gharib al-Hadith va al-Athar* (Vol. 2). Qom: Ismailian. [In Persian]
7. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 13). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
8. Iran Panah, A. (1382 AP). *Oxford English Persian dictionary*. Tehran: Zabanpajouh Publications. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (03/07/1381 AP). *Statements in the meeting of parliamentarians*. From: Supreme Leader's Website. <https://b2n.ir/m95580>. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (04/08/1389 AP). *Statements at the meeting of students and youth of Qom*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>. [In Persian]
11. Khamenei, S. A. (06/06/1392 AP). *Statements in the meeting with the president and members of the government*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/r74674>. [In Persian]

12. Khamenei, S. A. (10/04/1382 AP). *Statements at the joint ceremony of the students of army officer universities*. From: Supreme Leader's Website. <https://b2n.ir/r59309>. [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (10/19/1394 AP). *Statements in the meeting with the people of Qom*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/w42394>. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (11/27/1395 AP). *Statements at the meeting of the people of East Azerbaijan*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/q58248>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (11/28/1387 AP). *Statements at the meeting of the people of East Azerbaijan*. From: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5742>. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (12/04/1395 AP). *Statements in a group meeting of students*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/u22423>. [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (13/07/1383 AP). *Statements in the meeting of the Minister, managers and employees of the Ministry of Information*. From: Supreme Leader's Website at <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9850>. [In Persian]
18. Khamenei, S. A. (13/11/1377 AP). *Statements in the question and answer session with the youth on the second day of Dahe Fajr (Islamic Revolution and Youth Day)*, <https://b2n.ir/x70016>. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (1382 AP). *Vision Document of the Islamic Republic of Iran*. [In Persian]
20. Khamenei, S. A. (14/03/1391 AP). *Statements at the ceremony of the 23rd anniversary of Imam Khomeini's death*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/u06872>. [In Persian]
21. Khamenei, S. A. (14/03/1398 AP). *Statements on the 30th anniversary of Imam Khomeini*. From: <https://b2n.ir/z39630>. [In Persian]
22. Khamenei, S. A. (20/02/1396 AP). *Statements at Imam Hossein Officer Training and Guard Training University*. From: <https://b2n.ir/t66305>. [In Persian]

23. Khamenei, S. A. (20/06/1388 AP). *Statements in Tehran's Friday prayer sermons*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/a40524>. [In Persian]
24. Khamenei, S. A. (23/1/1378 AP). *Statements in the meeting of a group of clerics*. From: Supreme Leader's Website at <https://b2n.ir/j12295>. [In Persian]
25. Khamenei, S. A. (25/02/1386 AP). *Statements in the meeting of students of Ferdowsi University of Mashhad*. <https://b2n.ir/m84463>. [In Persian]
26. Khamenei, S. A. (25/02/1386 AP). *Statements in the meeting of students of Ferdowsi University of Mashhad*. Supreme Leader's Website. From: <https://b2n.ir/s93377>. [In Persian]
27. Khamenei, S. A. (25/09/1379 AP). *Statements in Friday prayer sermons in Tehran*. From: Supreme Leader's Website. <https://b2n.ir/k86422>. [In Persian]
28. Khamenei, S. A. (27/05/1396 AP). Notes (footnotes) 6/2/1387; 9/4/1390; 5/25/1383; 14/11/1390; 5/1/1393 AP). <https://b2n.ir/m64923>. [In Persian]
29. Khamenei, S. A. (29/08/1368 AP). *Statements during the visit to the General Headquarters of the Islamic Revolutionary Guards Corps*, <https://b2n.ir/r99249>. [In Persian]
30. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
31. Merriam, Webster. (2001). *English Dictionary*.
32. Mesbah Yazdi, M. T. (1368 AP). *Society and history from the perspective of the Qur'an*. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
33. Mostafavi, H. (1368 AP). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim* (Vol. 5). Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance. [In Persian]
34. Nouri, H. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasa'il* (Vol. 12). Qom: Alulbayt. [In Arabic]
35. Qarashi Banaei, A. A. (1412 AH). *Dictionary of the Qur'an* (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
36. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 8). Tehran: Naser Khosro Publications. [In Persian]

37. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1 &16). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
38. Tousi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafseer al-Qur'an* (Vol. 8). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
39. Zubeidi-Hosseini, M. M. (1414 AH). *Taj al-Arus min Javaher al-Qamoos* (Vol. 18). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]

